



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

علم غيب

معصوم عليه السلام

رحيم لطيفي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم غیب معصوم (ع)

نویسنده:

رحیم لطفی

ناشر چاپی:

معارف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم غیب معصوم (ع)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۸	دلایل نفی علم غیب و علم حضوری امام
۸	پاسخ دلایل نفی علم غیب از پیامبر و امام
۸	اشاره
۸	پاسخ کلی و مبنایی
۹	پاسخ جزئی و موردی
۹	پاسخ از روایت امام صادق (ضرب الجاریه)
۱۰	بحث سندی
۱۰	مرحجات سندی
۱۱	مؤیدات (تقویت و پشتیبانی روایات علم غیب)
۱۱	محدوده علم غیب امام و پیامبر عصمت و علم غیب
۱۳	برخی امور غیبی مخصوص خداست
۱۳	علم غیب الهی دوگونه است
۱۳	منابع علم ائمه
۱۴	منابع عمده علوم امامان از دید روایات چنین است
۱۴	نزد ائمه اسم اعظم است
۱۴	نزد امامان مواهب انبیا است
۱۴	پاسخ به چند شبهه
۱۵	سوتیترها
۱۵	پاورقی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۸

علم غیب معصوم (ع)

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران

سرشناسه: لطیفی، رحیم

عنوان و نام پدیدآور: علم غیب معصوم (ع) / * رحیم لطیفی

منشأ مقاله: معارف، ش ۴۶، خرداد ۱۳۸۶: ص ۲۵-۲۹

معارف، ش ۴۷، تیر ۱۳۸۶: ص ۱۲-۱۶

معارف، ش ۴۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۶: ص ۱۰-۱۶

یادداشت: * استاد و عضو هیئت علمی دانشنامه کلام اسلامی موسسه تخصصی کلام اسلامی

چکیده: بخش اول - دوم - سوم

توصیفگر: قرآن

توصیفگر: غیبگویی (اسلام)

توصیفگر: امامان [۱]

توصیفگر: علم امام

توصیفگر: Knowledge of Imam *

توصیفگر: جوهر (فلسفه)

توصیفگر: متکلمان

توصیفگر: فیلسوفان

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: علم حضوری

توصیفگر: عصمت امام

توصیفگر: عصمت پیامبران

توصیفگر: اسناد

توصیفگر: شبهه

توصیفگر: Misgiving *

اشاره

در بخش نخست، اهمیت بحث علم امام، اتفاق دانشمندان دینی شیعی بر اصل برخورداری امام (ع) از این موهبت و تفاوت‌های موضوعی آنان در این موضوع و نیز جایگاه وجودی امام (ع)، تعیین موضوع بحث، تفاوت علم غیب امام با علم غیب خدا، اقرار منابع اهل سنت بر اثبات علم غیب برای غیر خدا، پاسخ به آیاتی که علم غیب را منحصر به خدا می‌دانست و اثبات علم غیب برای معصوم (ع) از دیدگاه قرآن، بیان شد. در بخش دوم، اثبات علم غیب برای معصوم (ع) از منظر متکلمان، حکما و روایات، پی‌گیری شد. در این بخش، نخست آیات و روایاتی طرح می‌شود که در نگاه ابتدایی نافی علم غیب از معصوم است و در گام بعدی پاسخ

مبنایی و موردی هر کدام بیان می‌شود و با یک بحث سندی و قراین و شواهد موجود، برتری منطوق آیات و روایات ثابت‌کننده علم غیب برای معصوم (ع) محرز می‌شود. در پایان به کمک روایات، محدوده و منابع علم غیب معصوم (ع) بیان و در خاتمه به پاسخ چند شبهه پرداخته می‌شود.

دلایل نفی علم غیب و علم حضوری امام

در مقدمه یادآوری شد که علم غیب ائمه (ع) در ادامه علم غیب رسول اکرم (ص) است که دارای فلسفه مشترک می‌باشد (اقتضای وجود و وظایف آنان است)، بنابراین اگر دلایلی بر انکار علم غیب از نبی اکرم (ص) آورده شود، علم غیب امام نی ز انکار می‌شود. از ظاهر برخی آیات و روایات بر می‌آید که پیامبر و امام، علم غیب ندارند که ذی‌لاً بی‌ان می‌شود: «وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمَ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ [۱]؛ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ [۲]؛ سَيُنْفِرُكَ فَلَا تَنْسَى [۳] خداوند از پیامبرش می‌خواهد که فراموش نکند اگر رسول اکرم (ص) علم غیب و حضوری داشت نسی ان و فراموشی معنا نداشت. «وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ» [۴]. در روایات آمده است که پیامبر (ص) برای نماز صبح بی‌دار نشد تا آنکه طلوع خورشید او را از خواب بی‌دار کرد: «ان الله تبارك وتعالى انام رسوله (ص) عن صلوة الفجر حتى طلع الشمس ثم قال فبداء فصلی الركعتین الاتین قبل الفجر ثم صلی الفجر» [۵]. در روایات دیگر آمده است که پیامبر (ص) در نماز، سهو کرد و نماز ظهر را به جای چهار رکعت، پنج رکعت خواند و در مورد دیگر دور رکعت خواند: «واسهاه (ص) فی صلاته فی رکعتین ثم وصف ما قاله ذو الشمالین» [۶]. در روایتی آمده است که امام علی (ع) نماز جماعت را بدون وضو خواند و شخصی این امر را به مردم ندا داد. [۷]. در روایتی آمده است که امام صادق (ع) صریحاً علم غیب را از خود نفی فرمود: «یا عجباً لأقوامی زعمون انا نعلم الغیب، ما یعلم الغیب الا الله عزوجل لقد هممت بضرب جاریتی فلانه، فهربت منی، فما علمت فی ای بیوت الدارهی» [۸].

پاسخ دلایل نفی علم غیب از پیامبر و امام

اشاره

از آیات و روایاتی که علم غیب را از پیامبر (ص) و امام (ع) نفی می‌کند و یا مواردی را برای آنان اثبات می‌کند که مستلزم نفی علم غیب است، دو گونه پاسخ می‌توان داد که هر یک از این پاسخها ترکیبی از بیان عقلی و نقلی دارد.

پاسخ کلی و مبنایی

استدلال متکلمان با توجه به ضرورت، اهداف و وظایف پیامبر (ص) و امام (ع) وجود عصمت و علم غیب را برای رهبران الهی ثابت کرد، اگر فرستاده خدا از ملکه عصمت و علم برتر برخوردار نباشد، نه می‌تواند پیام الهی را به صورت کامل و صحیح به بندگان برساند و نه هدایت کامل آنان را عهده‌دار شود و انسان‌ها هم نمی‌توانند به او اعتماد و اطمینان داشته باشند؛ پس نقض غرض و لغویت در کار خدا می‌شود! حکیمان و فلاسفه الهی با مطالعه وجود شناختی، مرتبه وجودی عالی را برای پیشوایان الهی ثابت کرده‌اند که لازمه‌اش عصمت و علم برتر است. آیات و روایات متعدد برای اولیای الهی مراتبی از علم غیب را ثابت می‌دانند. بیان شد که میان علم غیبی که مربوط به خداوند است با علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) تفاوت بسیار است. نتیجه طبیعی و عقلی این مسلمات، وجود علم غیب برای پیامبر (ص) و امام (ع) است و این یافته بر اساس عقل و نقل قطعی است، پس هر گاه بر خلاف این یافته، ایه یا روایتی پیدا شد، باید محتوای آن به دقت بررسی شود تا راه حل مناسب پیدا شود.

پاسخ جزئی و موردی

نتیجه پاسخ کلی ضرورت بررسی موارد نافی علم غیب را آشکار ساخت، لذا به بررسی تک تک موارد ادعایی پرداخته می شود: پاسخ از ایه ولو كنت اعلم الغیب: این ایه درصدد نفی علم غیبی ذاتی است؛ یعنی پیامبر، بالذات و بدون تعلیم و مشیت الهی غیبی نمی داند و این با آیاتی که علم غیب را برای رسولان و برخی اولیا استثنا می کرد، منافاتی ندارد. همچنین این ایه علم غیب مطلق و نامحدود را نفی می کند که این امر با اثبات برخی موارد علم غیب منافات ندارد. [۹]. پاسخ از ایه سنقرئک فلا تنسی: در کتاب قاموس اللغه "نسیان" به ترک عمدی و اختیاری معنا شده است نه به معنای فراموشی از روی سهو و بدون اختیار. پس معنای ایه این می شود که ای رسول ما بر تو خواندیم پس مبدا آنان را از یاد ببری! تنها چیزهایی را از یاد ببر و از خاطر محو کن که خدا بخواهد (ذیل ایه، الا ما شاء الله) مانند مواردی که نسخ می شود. [۱۰]. پاسخ از ایه "ومن اهل المدی نه.... مراد این است که ای رسول گرامی تو نفاق و ماهیت آنان را با امارات و نشانه‌های ظاهری آنان و درک حواس ظاهری خود نمی توانی کشف کنی، چون آنان در نفاقشان بسیار مهارت دارند «مردوا علی النفاق» و خدا از باطن آنان خبر دارد لذا از علم لدنی به تو خبر می دهد. یا اینکه مراد این باشد که مورد خطاب پیامبر (ص) است اما مقصود یاران و اصحاب هستند؛ چنانکه این نوع مکالمه و مخاطبه میان اهل زبان رایج است: «ایاک اعنی واسمعی یا جاره؛ (در به تو می گویم دیوار بشنو» با همین قاعده آیات دیگر نیز توجیه می شود [۱۱] مانند، «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ [۱۲] وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ». [۱۳]. پاسخ از روایتی که از خواب ماندن و قضای نماز پیامبر (ص) می گفت: برخی اینگونه پاسخ گفته‌اند که خداوند پیامبر را در خواب نگه داشت و این حکمتی داشت و آن اینکه برای بندگان بفهماند که هر گاه هنگام فریضه صبح به خواب ماندید ملامت و سرزنشی بر شما نیست. پس به خواب ماندن رسول اکرم (ص) در این مورد رحمتی از جانب خدا بر بندگان است. ولی این پاسخ نادرست است؛ زیرا اولاً راه‌های دیگری بود که این پیام به مردمان رسانیده شود، چنانکه روایاتی این مهم را با عنوان رفع تکلیف از شخص خواب بیان کرده است. ثانیاً قضا شدن نماز با شأن و جایگاه افراد مذهبی سازگار نیست تا چه رسد با جایگاه رفیع رسول اکرم (ص) که روایات در وصف حضرت می گوید: دل و باطن او هرگز به خواب نمی رفت. ثالثاً، بحث نبوت مربوط به اصول دین و عقاید ماست که بر محور عقل می چرخد، و هر گاه عقل قطعی وجود کمالی را برای پیشوای الهی لازم و رفع نقصی را ضروری تشخیص داد، دیگر به ظاهر نقل توجهی نمی شود به ویژه که اینگونه روایات معارض‌های قطعی نیز داشته باشد. [۱۴]. رابعاً، می توان ادعا کرد که آنچه روایت نقل می کند در صورت و ظاهر جاری است و در واقع هیچ واجبی از پیامبر (ص) فوت نشده است؛ توضیح اینکه رسول خدا (ص) فریضه صبح را انجام داده و پس از فجر خوابیده بود پس از بیدار شدن دو رکعت نافله خوانده است اطرافی ان گمان برده‌اند حضرت هنگام نماز صبح خواب مانده و حضرت به خاطر نفی غلو یا تعلیم احکام قضا و سجده سهو و یا به خاطر "کلم الناس علی قدر عقولهم" در مقام ردّ توهم آنان بر نیامده است. [۱۵]. مفاد این احادیث بر خلاف دلایل قطعی، عقلی و نقلی است و از لحاظ تعارض قدرت معارضه با بسیاری از روایاتی که هر گونه سهو و نسیان را از پیامبر (ص) و امام (ع) نفی می کند، ندارد. اینگونه روایات هم از لحاظ سند ضعیف هستند و هم از لحاظ متن، لذا دانشمندان اسلامی به مفاد این روایات عمل نکرده‌اند. تنها شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه به این روایات توجه کرده است. [۱۶]. پاسخ دیگر اینکه مسأله سهو و نسیان پیامبر و امام مربوط به عقاید و اصول دین است که بر محور عقل استوار است. پس هر گاه روایتی در حوزه عقاید و اصول دین بر خلاف آن بیانی داشت قبول نمی شود به ویژه که نقل متواتر هم معارض آن باشد. [۱۷] بر همین اساس، شیخ طوسی که روایت سهو التبی را نقل کرده است در ذیل آن می نویسد: «مضمون این حدیث را ادله قطعی عقلی نمی پذیرد؛ چون دلایل عقلی هر گونه سهو و غلط را از پیامبر (ص) نفی می کند.» [۱۸].

احادیث صحیح و متواتر برای امام (ع) علم غیب را ثابت می‌کند و این امر از پشتوانه‌های عقلی و قرآنی نیز برخوردار است، پس اگر در موردی خلاف این امر بدست آمد، حتماً محمل و توجیهی دارد. توجیهی که در خصوص این روایت بیان شده اینکه، امام صادق به افکار و اندیشه‌ها و لغزش‌های مردمان آگاه است و می‌داند که در میان آنان کسانی هستند که قدرت هضم برخی امور را ندارند اگر امام، مواهب الهی و کمالات خویش را همواره در معرض دید همگان بگذارد، گروهی از مردمان به عقاید و باورهای منافی گرایش پیدا می‌کنند و در حق امام به غلو روی می‌آورند، وجود برخی غالیان در طول تاریخ گواه زنده بر صحت این امر است، لذا امام در بسیاری موارد علم غیب و دیگر مواهب خود را در معرض نمی‌گذاشت و تنها در عصر ظهور حضرت حجت (ع) است که امکانات و شرایط آماده است و حضرت (ع) با علم غیب و برتری که دارد به تدبیر جهان می‌پردازد. ذیل همین روایت گواهی صحت مطالب بالا را امضا می‌کند که امام (ع) فرمود: «علم الکتاب کله عندنا علم الکتاب والله کله عندنا» کتاب همان چیزی است که خداوند معرفی کرده است (تیباناً لکل شیء) پس علم الکتاب علم وسیع است. [۱۹]. مطالعه شرایط حساس امامان (حسادت دستگاه حکومتی و سختگیری‌های حاکمان جور بر آنان و عدم ارتباط کافی میان امام و محبان آنان) حکمت و فلسفه اینگونه سخن گفتن را آشکار می‌کند. اینگونه روایات توجیه مهم دیگری هم دارند و آن اینکه مراد امام از نفی علم غیب از خودش، نفی علمی باشد که امامان مأذون به بروز آن باشند نه علم مکتوم از مردم. توضیح اینکه امامان در بروز علم غیبشان به همگان مأذون نیستند. لذا می‌توان گفت ائمه، علم غیبی که مأذون در بروز آن باشند ندارند و این منافات با وجود علم غیب مکتوم و پوشیده از مردم ندارد. [۲۰].

بحث سندی

دانشمندان فن با الهام از قرآن و روایات برای مواردی که میان روایات تعارض یا تنافی باشد، راه‌حلی معین کرده‌اند، هر چند برتری روایاتی که علم غیب و حضوری وسیع را برای پیامبر (ص) و امام (ع) ثابت می‌کند محرز و مستدل شد؛ ولی از راه مرجحات سندی و قوانین حاکم در موارد تعارض نیز برتری با همین دسته است. بررسی مشروح مرجحات از عهده نویسنده و حوصله مقاله خارج است، گزیده آن از زبان اهل فن بیان می‌شود.

مرجحات سندی

۱- سند همه روایاتی که برای پیامبر (ص) و امام (ع) نوعی سهو و نسیان را نسبت می‌داد ضعیف است و نیز دارای متن و عبارات مضطرب و ناهمگون است. ۲- تعداد روایاتی که وسعت علم غیب امام (ع) را قید می‌زند و یا نسبت سهو و نسیان به پیامبر (ص) و امام (ع) می‌دهد به یک دهم روایاتی که اثبات علم غیب وسیع و نفی سهو و نسیان می‌کنند، نمی‌رسد. ۳- روایات سهو و نسیان، شاذ و نادر هستند و نیز مطابق با عقاید مخالفان امامیه می‌باشند، اما روایات مثبت مشهور و بر اساس باور امامیه هستند. ۴- در اوصاف پیامبر (ص) و امام (ع) که مربوط به عقاید و اصول دین است هیچ‌گاه نمی‌توان به اخبار شاذ، نادر و کم تعداد اعتماد کرد. [۲۱]. بر اساس همین مرجحات و به ویژه ناسازگاری با باورهای بنیادین شیعه به پیامبر و امامان، بزرگان دین از اینگونه روایات روی گردانی ده و در برابر آن واکنش نشان داده‌اند. شیخ الطایفه مرحوم طوسی، روایات سهو النبی را مردود و خلاف دلایل قطعی نقل و عقل اعلام کرده است. [۲۲]. علامه حلی روایت "ذوالشمالین" که می‌گفت رسول‌الله نماز ظهر را بجای چهار رکعت، پنج رکعت خواند را نزد امامیه باطل می‌داند؛ چون امامیه باور به عصمت نبی دارند. [۲۳]. شهید اول روایت «ذوالشمالین» را میان امامیه متروک اعلام می‌دارد و می‌فرماید: بر عصمت انبیا دلیل عقلی قایم است و اجماع امامیه همین است. [۲۴]. حرّ عاملی اخبار سهو نبی (ص) و امام (ع) را معارض اجماع شیعه می‌داند و می‌فرماید: «مخالفت اشخاص معلوم النسب (شیخ صدوق و استادش) ضرری

به اجماع نمی‌زند.» [۲۵].

مؤیدات (تقویت و پشتیبانی روایات علم غیب)

برای اثبات اصل علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) دلایل مشروح کلامی، فلسفی، قرآنی و روایی بیان شد، در اینجا به شماری از آیاتی اشاره می‌شود که موضع پیشین از جمله وسعت و گستردگی علم غیب را تقویت می‌کند. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ [۲۶] این دستور مطلق است و وسعت الگو بودن رسول اکرم (ص) ملازم با وسعت علم غیب او است، اگر کسی در محدوده‌هایی جاهل باشد نمی‌تواند الگوی مطلق باشد. وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [۲۷] وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا [۲۸] دستور به پیروی مطلق در همه امور و همه زمان‌ها و نیز دریافت و اطاعت از هر آنچه پیامبر بدهد و خودداری از آنچه نهی کند، عصمت و علم غیب وسیع او را می‌رساند. سید مرتضی می‌فرماید: ان للامام لا يجب الغيوب وما كان وما يكون، لان ذلك يؤدي الى انه مشارك للقدیم تعالی فی جميع معلوماته و أن معلوماته لا يتناهی و أنه یوجب أن يكون عالماً بنفسه و قد ثبت انه عالم بعلم محدث... و بینا ان الذي يجب ان یعلمه علوم الدین و الشریعة، فاما الغائبات او الكائنات الماضیات و المستقبلات فان علم باعلام الله تعالی فجائز و الا فذلك غیر واجب. [۲۹].

محدوده علم غیب امام و پیامبر عصمت و علم غیب

دیدگاه رسمی و مشهور دانشمندان شیعه این است که انبیا و امامان (ع) از هرگونه گناه - صغیره و کبیره - و از هرگونه خطا و سهو و نسیان، به دور هستند و چنین عصمتی از آغاز زندگی تا پایان زندگی آنها برقرار است. لازمه چنین عصمتی علم غیب وسیع است. نبی و امام باید عالم به حقایق اشیا و امور پنهانی باشند تا چنین عصمتی محقق شود و حتی خطا و نسیان نیز از آنان سر نزنند. مشهور دانشمندان اهل سنت، عصمت را قبل از رسیدن به مقام نبوت برای نبی شرط نمی‌دانند و نیز صدور خطا و سهو را حتی پس از رسیدن به مقام نبوت ممتنع نمی‌دانند. [۳۰] بر اساس این دیدگاه داشتن علم غیب برای پیامبر (ص) از اساس منتفی و یا دست کم بسیار محدود می‌شود. برخی از دانشمندان شیعه سهو را بر پیامبر و امام جایز می‌دانند و مواردی را ذکر می‌کنند که نتیجه سخن آنان انکار وسعت علم غیب امام و نبی است. محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (وفات ۳۸۱ق) و استادش شیخ محمد بن الحسن بن احمد الولید (وفات ۳۴۳ق) باور به عدم سهو نبی (ص) را نخستین مرحله غلو می‌دانند. شیخ صدوق می‌فرماید: می‌خواستم کتابی در اثبات سهو النبئ بنویسم. [۳۱]. این قول شیخ صدوق بر اساس روایاتی است که پیش‌تر بیان شد. (سهو پیامبر (ص) در تعداد رکعات و قضا شدن نماز بخاطر خواب ماندن) امین الاسلام طبرسی آنجا که در ردّ علی جبائی و به دفاع از شیعه حرف می‌زند و معنای تقیه و عدم جواز نسیان بر پیامبر را توضیح می‌دهد می‌گوید: «اما النسیان و السهو فلم یجز و هما علی هم فی ما یؤدونه عن الله تعالی فأما ما سواه فقد جوزوا علی هم انی نسوها و یسهوا عنه مالم یؤد ذلك الی إخلال بالعقل و کیف لا یكون كذلك و قد جوزوا علی هم النوم و لا غماء و هما من قبیل السهو...» [۳۲]. شیخ محمد تقی شوشتری طی یک رساله که در ضمن اثر مشهورش قاموس الرجال چاپ شده، به یاری شیخ صدوق شتافته است. مشهور شیعه با نگاشتن کتاب‌ها و رساله‌های استدلالی و با استناد قطعی هرگونه گناه و معصیت و نسیان و سهو را از پیامبر و امامان (ع) به دور می‌دانند. [۳۳]. نتیجه سخن اینکه پس از اثبات اصل علم غیب برای پیامبر (ص) و امام (ع) این پرسش مطرح می‌شود که محدوده این علم غیب تا کجاست؟ این بحث حالت درون مذهبی دارد؛ یعنی در میان دانشمندان شیعه اختلافی است که منشاء آن نیز اختلاف روایات است، برخی به پیروی از شیخ صدوق سهو و نسیان را برای پیامبر ممکن می‌دانند که نتیجه آن محدود ساختن علم غیب است در محدوده گناهان عمدی و بیان احکام شرعی. رهیافت تلاش کلامی و فلسفی و صریح روایات در موضوع علم غیب پیامبر (ص) و امام (ع) دو چیز

است: یکی اثبات اصل علم غیب که به اذن الهی به آنان داده شده است، و دیگر اثبات وسعت و گستره این علم تا آنجا که عدالت و عصمت آور باشد و پیامبر و امام در سایه آن هرگونه موارد عصیان و خطاء و سهو و نسیان را بشناسد و در نتیجه از او سر نزند در غیر این صورت دیگر به رسالت و هدایتگری اشاطمی نانی نخواهد بود و نقض غرض خواهد شد. برای تثبیت وسعت علم غیب امام (ع) نخست سخن کسانی که به نحوی به محدودیت علم غیب امام بر می‌گردد بررسی و نقد می‌شود و به دنبال آن روایات ثابت‌کننده وسعت علم غیب امام نقل می‌شود. در میان منکران عمده شیخ صدوق است و سخن ایشان نیز چندان صراحت به نفی علم غیب ندارد؛ [۳۴] چون تعلیلی که در ادامه سخنشان آمده است به صراحت می‌رساند که مرادشان «اسهاء» است نه سهو. توضیح اینکه با قضا شدن نماز رسول خدا (ص) و در خواب ماندن ایشان چنین تعلیل شده است که مبادا قضا شدن نماز در اثر خواب ماندن برای مسلمانان عار و عیب باشد و این قضا شدن نماز پیامبر (ص) بخاطر رحمت خداوند بر بندگان بوده است، از نوع این تعلیل معلوم می‌شود که مراد شیخ سهو شیطانی نیست، بلکه چیزی مانند «اسهاء ربانی» است؛ یعنی خداوند نوعی سهو را بر نبی مکرمش مسلط کرده است، نه اینکه رسول خدا متصف به سهو و نسیان باشد. [۳۵] در جای دیگر شیخ صدوق تصریح می‌کند که اسهاء نبی به خاطر این بوده است که مردم در حق او غلو نکنند و او را تا مقام ربانی جلو نبرند. [۳۶] لکن در ادامه این نوشتار بیان خواهد شد که عقیده به عدم سهو غلو نیست. یا اینکه غلبه خواب یک امر قهری از جانب خداوند بوده و پیامبر نیز صرفاً مأمور بوده است، یا اینکه این حادثه خاص از قبیل تبدیل واقع بر پیامبر (ص) بوده که در این صورت پیامبر مأمور به واقعیت جدید است نه به واقع یا اینکه پیامبر پس از ادای نماز صبح، خوابیده و وقتی بیدار شده است دو رکعت نافله خوانده و اطرافیان گمان نماز قضا کرده‌اند، و پیامبر هم برای تسهیل بر مردمان چیزی فرموده است. [۳۷]. شیخ صدوق در آثار خود امام و پیامبر را چنان توصیف می‌کند که اصولاً با سهو و عدم علم غیب ناسازگار است. [۳۸]. صرف نظر از ملازمه که جواز سهو با عدم علم غیب دارد در جاهای دیگر شیخ صدوق تصریح به وجود علم غیب در پیامبر و امام دارد و هرگونه نسیان را نفی می‌کند. قال رسول الله (ص) لعلی (ع) أکتب ما أملی علیک، قال: یا نبی الله أتخاف علی النسی ان فقال (ص): لست اخاف علیک النسی ان و قد دعوت الله بحفظک ولا ینسیک... [۳۹] و عن الرضا (ع): ما ینقلب جناح طائر فی الهواء الا وعندنا علم منه... [۴۰]. از این سخنان شیخ صدوق و روایاتی که نقل و قبول کرده است، معلوم می‌شود که اگر در موردی نسبت سهو به پیامبر یا امام داده است، مرتکب سهو شده است، به گفته شیخ بهایی در این حکم، ابن بابویه شیخ صدوق سهو کرده است؛ زیرا ایشان سزاوار به سهو است تا نبی اکرم (ص). [۴۱]. ماهیت علم غیب پیامبر و امام چنان ترسیم و تصویر شده است که هیچگونه شایبه غلو یا شرک را در پی ندارد علم غیب عطایی طولی باذن الله با علم غیب بالذات مستقل الهی اصولاً قابل قیاس نیست، اولین و آخرین مرحله غلو این است که کسی را در هر صفتی ا کمالی در عرض خدا و در کنار خدا جا دهند و گرنه شایبه غلو و شرک منتفی است و این حقیقت را خود ائمه (ع) فرموده‌اند: «لا تجاوزوا بنا العبودیه ثم قولوا فینا ما شئتم و لن تبلغوا [۴۲] اجعلونا عبیداً مخلوقین و قولوا فینا ما شئتم [۴۳] ایاکم و الغلو فینا، قولوا انا عبید مربوبون و قولوا فی فضلنا ما شئتم». [۴۴]. پس نفی سهو و نسیان و اثبات علم غیب هیچ کدام، پیامبر و امام را ربّ و معبود نمی‌سازد، بلکه آنان را بندگان با علم عالی و عصمت عالی معرفی می‌کند. علم ارادی اشائی و محدودیت علم غیب در کتاب اصول کافی [۴۵] و بصائر [۴۶] حدود چهار روایت آمده است که علم غیبی پیامبر و امام را از نوع علم ارادی اشائی معرفی می‌کند؛ یعنی علم غیبی آنها حضوری مطلق نیست، بلکه هر گاه امام بخواهد و اراده کند که از مجهولی یا غیبی آگاه گردد خداوند آنان را آگاه می‌سازد. اینگونه روایات نیز به نوعی برای علم غیبی پیامبر و امام تعیین محدوده می‌کند. امام صادق (ع) فرمود: «انّ الامام إذا شاء أنى علم علم» و نیز فرمود: «إذا أراد الامام انى علم شیئاً أعلمه الله ذلك». [۴۷]. از اینگونه روایات هم پاسخ داده شده و در نتیجه وسعت علم غیب پیامبر (ص) و ائمه (ع) ثابت شده است. یکم) علم غیب به این معنا که، اگر امام اراده کند و بخواهد، خداوند او را از غیب آگاه می‌سازد، معنای مجازی است، معنای حقیقی علم غیب یعنی امام بالفعل و بدون هیچ قید و شرطی از غیب آگاه است

هر گاه علم غیب گفته شود همین معنا متبادر می شود و به علم ارادی مقید به مشیت اسم علم غیب اطلاق نمی شود، بلکه سلب این اسم از آن صحیح است. [۴۸]. دوم) روایاتی که علم غیب فعلی و وسیع را برای پیامبر و امام ثابت می کنند، بسیار صریح و مطلق هستند؛ به گونه‌ای که با هر گونه قید و تخصیص سازگار نیستند. [۴۹]. سوم) روایاتی که علم غیب فعلی وسیع را ثابت می کنند، در مقام امتنان و منت گذاری از جانب خداوند است و روشن است که نعمت و موهبتی که خداوند بر عبدش منت می گذارد و عطا می کند به نحو کامل آن است و نیز اینگونه روایات در مقام معرفی و شمارش علائم خاص امامت است؛ یعنی از نشانه‌های امام را داشتن علم غیب معرفی می کند؛ پس نمی توان گفت مراد علم غیبی باقی د و شرط است. [۵۰]. چهارم) روایاتی که برای امام علم غیب را ثابت می کنند در سیاق و ریخت اثبات دیگر اوصاف ائمه (ع) است، پس همان طوری که اوصاف عصمت، طهارت از عیوب، ولایت و... مقید و مشروط به اراده و مشیت و... نیستند، روایات ثابت کننده علم غیب نیز مطلق و صف را ثابت می کنند. [۵۱]. پنجم) بازخوانی روایاتی که از جانب ائمه (ع) خبر از امور غیبی داده‌اند، مانند خبر از رحم مادران، از معنای حرکات حیوانات، پاسخ از پرسش‌های طرح نشده، از نیات پنهان مردمان و... به روشنی معلوم می کند که علم غیب امامان مقید به اراده و مشروط به مشیت نیست. [۵۲]. ششم) اگر پیامبر (ص) و امام (ع) به موضوعات خارجی و امور غیبی و حوادث، علم غیب نداشته باشند، امکان سهو و نسیان، بلکه وقوع آن حتمی می شود و در نتیجه در مواردی مرتکب حق کشی ها و خطاها می شوند و این کاستی بزرگی است که با منصب آنان منافات دارد، بلکه فلسفه وجودیشان زیر سؤال می رود. افزون بر این اگر علم پیامبر و امام محدود می بود و مرتکب خطاها یا فراموشی هایی می شدند این موارد با توجه به تعداد ائمه (ع) حتماً برای ما نقل می شد. [۵۳].

برخی امور غیبی مخصوص خداست

در بصائرالدرجات [۵۴] و تفسیر صافی و مجمع البیان حدود چهارده حدیث وارد شده است که مضمون ایه ذیل را تایید می کند و دست کم علم پنج موضوع را مخصوص خدا معرفی می کند: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» [۵۵]. اینگونه روایات نیز وسعت علم غیب امام را محدود می کند. امام باقر (ع) فرمود: «أَنَّ اللَّهَ عَالِمٌ عَامٌّ وَعِلْمٌ خَاصٌّ فَأَمَّا الْخَاصُّ فَالَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ مَلَكٌ مُقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَأَمَّا عِلْمُهُ الْعَامُّ الَّذِي اطَّلَعَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبِينَ وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلِينَ قَدْ رَفَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ الْيَنَا ثُمَّ قَالَ أَمَّا تَقْرَأُ وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ...» [۵۶]. امام سجاد (ع) فرمود: «لَوْلَا آيَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَحَدَّثَكُمْ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ لَهُ آيَةُ آيَةُ؟ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أَمُ الْكِتَابِ.» [۵۷]. امام علی (ع) موارد بالا را از معلومات انحصاری خداوند می داند و دیگر موارد را از معلومات پیامبر و امامان (ع) می داند فهذا علم الغیب الذی لا یعلمه الا الله و ما سوی ذلك فعلم علمه الله فعلمیه. [۵۸].

علم غیب الهی دو گونه است

یکی دیگر از روایاتی که محدودیت علم غیب ائمه (ع) را بیان می سازند، روایاتی است که می گوید: «أَنَّ اللَّهَ عَالِمٌ عَامٌّ وَعِلْمٌ خَاصٌّ فَأَمَّا الْخَاصُّ فَهُوَ الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ مَلَكٌ مُقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَأَمَّا عِلْمُهُ الْعَامُّ الَّذِي اطَّلَعَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ وَقَدْ وَقَعَ كُلُّ الْيَنَا.» پاسخ - پیش تر گفته شد که میان علم خدا و علم امام، تفاوت‌های اساسی است؛ چنانکه وجود پیامبر (ص) و امام (ع) با وجود خداوند قابل مقایسه نیست؛ هکذا صفات آنان، بر این اساس مواردی است که مخصوص خداست و پیامبر و امام به اذن و خواست خدا آگاه می شوند. پس اینگونه روایات در صدد نفی علم ذاتی است.

حال که اثبات علم غیب برای امامان (ع) برهانی شد، پرسش این است که منبع و سرچشمه این علوم غیبی چیست؟ پاسخ این پرسش تا حدودی از راه بررسی روایات ممکن است هر چند پاسخ نهایی آن چه بسا ممکن نباشد و از مصادیق علوم غیبی باشد که از انسان‌های عادی ایمان به آنها خواسته شده است **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ**. [۵۹].

منابع عمده علوم امامان از دید روایات چنین است

نزد ائمه اسم اعظم است

روایات اسم اعظم را دارای هفتاد و سه حرف می‌دانند که هفتاد و دو حرف آن نزد ائمه (ع) است و یک حرف آن مخصوص خدای سبحان است، نزد آصف بن برخیا، کارگزار حضرت سلیمان که کارهای شگفت انجام می‌داد، تنها یک حرف از هفتاد و سه حرف اعظم موجود بود. [۶۰]. اینکه حقیقت اسم اعظم چیست و چرا و چگونه هفتاد و سه حرف است هیچ گاه برای ما روشن نخواهد شد، تنها همین مقدار فهمیده می‌شود که دارنده این اسم دارای مقام عالی و استثنایی است و خداوند از این حروف به «علم من الکتاب» تعبیر کرده است. [۶۱].

نزد امامان مواهب انبیا است

برخی روایات خبر از وجود آیات و مواهب انبیا در نزد ائمه (ع) می‌دهند، مانند الواح حضرت موسی (ع) و انگشتر حضرت سلیمان (ع). [۶۲]. این موضوع ثابت می‌کند که امامان از علم و قدرت عالی برخوردارند. (ج) نزد ائمه (ع) هزاران باب علمی است که رسول اکرم (ص) به امام علی (ع) آموخته است: امام صادق (ع) فرمود: «انَّ التَّبِيَّ (ص) حَدَّثَ عَلِيًّا بِالْفِ بَابِ يَوْمِ تَوْفِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَكُلِّ بَابِ يَفْتَحُ الْفِ بَابِ فَذَلِكَ الْفِ الْبَابِ». [۶۳]. امام صادق (ع) ضمن تایید این منبع، سه منبع دیگر (الجامعه، مصحف الفاطمه و جفر) را می‌افزاید. [۶۴].

پاسخ به چند شبهه

رهیافت نهایی این نوشتار با اتکا به عقل و نقل، اثبات علم غیب وسیع برای پیامبر (ص) و امام (ع) شد. بر این اساس، هرگونه باوری خلاف این عقیده قطعی، شبهه‌ای بیش نخواهد بود، اینجا به طرح و پاسخ چند شبهه پرداخته می‌شود. یکم) اگر علم غیبی پیامبر و امام وسیع و فعلی و حضوری است، پس نزول جبرئیل (ع) و ارسال وحی بیهوده است. پاسخ) در پیشگفتار بیان شد که علم غیب پیامبر و امام با علم غیب خداوند بسیار تفاوت دارد؛ علم غیب امام بالذات نیست، بلکه از جانب خداوند داده شده است و عطای الهی نیز منبع و واسطه می‌خواهد؛ یکی از منابع علم غیب پیامبر و امام وحی و الهام است. «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» [۶۵] یعنی اولاً نزول ملائکه همیشگی است پس معلوم می‌شود پس از خاتمیت، امام میزبان ملائکه و دریافت کننده اخبار و علوم است. ثانیاً این عطای علوم باذن رب است. ثالثاً این عطای علوم، وسیع و گسترده است. «من کل امر». دوم) اگر علم غیب امام وسیع و همی شه نزد او حاضر است، پس خوابیدن حضرت علی (ع) در لیلۃ‌المبیت در بستر پیامبر اکرم (ص) نشانه شجاعت و فداکاری حضرت نمی‌شود، همین طور نبردهای حضرت در جنگ‌های اسلام با کفار و مشرکان. پاسخ) پرسش گر، علم غیب وسیع و حضوری را پذیرفته منتها از زاویه دیگر اشکال کرده است و می‌توان پاسخ گفت که مقوله علم غیر از عمل است، همین که امام (ع) با جان و دل در کنار رسول اکرم (ص) است و از هیچ تلاش و ایثار دریغ نکرده است، کرامت و امتیازی بزرگ برای امام است. عمل بر اساس علم نیز یک امتیاز محسوب می‌شود، چه بسا انسان‌هایی که علم دارند، ولی بر اساس آن عمل نمی‌کنند. سوم) به نص

قرآن مجید حضرت موسی (ع) از همراه خودش (خضر (ع)) می‌خواهد که چیزهایی را به او بیاموزد: «هَلْ أَتَيْتُكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا»، [۶۶] پس معلوم می‌شود که پیامبر (موسی) علم غیب وسیع حضوری نداشته است. پاسخ) پیش‌تر گفته شد که انبیا و ائمه (ع) علم غیبی بالذات ندارند، بلکه خداوند به آنها عطا کرده است و ممکن است یکی از راههای عطای الهی به حضرت موسی (ع) همین راه بوده باشد (دریافت از همراهش)، گواه این گفتار سخن قرآن مجید است که این مرد را دارای علم لدنی خدادادی معرفی می‌کند: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» [۶۷].

سوتیترها

استدلال متکلمان با توجه به ضرورت، اهداف و وظایف پیامبر (ص) و امام (ع) وجود عصمت و علم غیب را برای رهبران الهی ثابت کرد، اگر فرستاده خدا از ملکه عصمت و علم برتر برخوردار نباشد، نه می‌تواند پیام الهی را به صورت کامل و صحیح به بندگان برساند و نه هدایت کامل آنان را عهده‌دار شود و انسان‌ها هم نمی‌توانند به او اعتماد و اطمینان داشته باشند؛ پس نقض غرض و لغویت در کار خدا می‌شود! حکیمان و فلاسفه الهی با مطالعه وجود شناختی، مرتبه وجودی عالی را برای پیشوایان الهی ثابت کرده‌اند که لازمه‌اش عصمت و علم برتر است. در میان منکران عمده شیخ صدوق است و سخن ایشان نیز چندان صراحت به نفی علم غیب ندارد؛ چون تعلیلی که در ادامه سخنشان آمده است به صراحت می‌رساند که مرادشان «اسهاء» است نه سهو شیخ صدوق در آثار خود امام و پیامبر را چنان توصیف می‌کند که اصولاً با سهو و عدم علم غیب ناسازگار است از برخی سخنان شیخ صدوق و روایاتی که نقل و قبول کرده است، معلوم می‌شود که اگر در موردی نسبت سهو به پیامبر یا امام داده است، مرتکب سهو شده است، به گفته شیخ بهایی در این حکم، ابن بابویه شیخ صدوق سهو کرده است؛ زیرا ایشان سزاوار به سهو است تا نبی اکرم (ص). ماهیت علم غیب پیامبر و امام چنان ترسیم و تصویر شده است که هیچگونه شایبه غلو یا شرک را در پی ندارد علم غیب عطایی طولی باذن الله با علم غیب بالذات مستقل الهی اصولاً قابل قیاس نیست، اولین و آخرین مرحله غلو این است که کسی را در هر صفت یا کمالی در عرض خدا و در کنار خدا جا دهند علاوه بر ضعف سندی روایات سهوالنبی و عدم عصمت پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) بزرگانی از علمای شیعه از جمله شیخ الطایفه مرحوم طوسی، علامه حلی، شهید اول و شیخ حر عاملی اینگونه روایات را مردود می‌دانند.

پاورقی

[۱] اعراف / ۱۸۸: واگر غیب می‌دانستم به نفع و خی ر (خود) می‌افزودم.

[۲] هود / ۳۱.

[۳] اعلی / ۶.

[۴] توبه / ۱۰۱.

[۵] شیخ صدوق، من لای حضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۰۳۱.

[۶] همان و شیخ طوسی، التهذیب، ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۱۴۳۸؛ ج ۲، ص ۳۵۳ ح ۱۴۶۱؛ ان‌النبی (ص) صلی بالناس الظهر رکعتین ثم سهی فقال له ذو الشمالین: أحدث فی الصلوة شیء؟... فقام وأتم الصلوه وسجد سجدة السهو...؛ صلی بنا النبی الظهر خمس رکعات ثم انتقل، فقال له بعض القوم هل زید فی الصلوة شیء؟.

[۷] شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۴۳۳، ح ۵، م ۱۶۷۱. صلی علی (ع) بالناس علی غیر طهر ثم دخل وخرج منادی هان امیر المومنین (ع)....

[۸] کلی نی، اصول کافی، کتاب الحجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۳ باب نادر فيه ذکر الغیب.

[۹] مظفر، علم الامام، ص ۴۱ - ۴۲.]

[۱۰] لاری، المعارف السلما نیه، ص ۹۱.

[۱۱] همان، ص ۹۰.

[۱۲] قدر/۲.

[۱۳] انقطاع/۱۷.

[۱۴] مظفر، علم الامام، ص ۵۰.

[۱۵] لاری، المعارف السلما نیه، ص ۹۲؛ پاسخ از روایاتی که به گونه‌ای سهو یا فراموشی را برای پیامبر و امام ثابت می‌کرد.

[۱۶] مظفر، علم الامام، ص ۴۹.

[۱۷] همان، ص ۴۹ تا ۵۰.

[۱۸] شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۳۷۱ ح ۶، م ۱۴۱۱: حدیث ذوالشمالین و سهو النبی (ص) و ذلك مما تمنع منه الادله القاطعه

فی انه لا يجوز علیه السهو ولا غلط.

[۱۹] مظفر، علم الامام، ص ۴۸ - ۴۹.

[۲۰] لاری، المعارف السلما نیه، ص ۵۵.

[۲۱] همان، ص ۱۱۷.

[۲۲] شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۲۷، م ۷۲۶: حدیث ذوالشمالین و سهو النبی (ص) مما تمنع العقول؛ همو،

الاستبصار، ج ۱، ص ۳۷۱ ح ۶، مسلسل ۱۴۱۱.

[۲۳] علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۲۷۵: وخبر ذی الی دین عندنا باطل، لأنّ النبی (ص) لا ی جوز علیه السهو مع أنّ جماعه

من اصحاب الحدیث طعنوا فیہ لأنّ راویه ابو هریره...

[۲۴] شهید اول، الذکری، ص ۲۱۵: و هو متروک بین الامامیه لقیام الدلیل العقلی علی عصمه النبی (ص) عن السهو و لم یصر الی

ذلك غیر ابن بابویه... هذا حقیق بالارض عنه لان الاختیار معارضه بمثلها فی رجع الی قضیه العقل و لوصح النقل و جب تأویله، علی

ان اجماع الامامیه فی الاعصار السالفه علی هذین الشیخین...

[۲۵] حر العاملی، رساله التنبیه بالمعلوم، ص ۶۴.

[۲۶] احزاب/۲۱.

[۲۷] اعراف/۱۵۸.

[۲۸] حشر/۷.

[۲۹] شریف مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۳۱.

[۳۰] چنین روایتی در منابع اهل سنت کم نیست که پیامبر فرمود: انما انا بشر مثلکم أنسیکما تنسون.

[۳۱] شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰، ذیل ح ۱۰۳۱. برخی از محققان با ظرافت در حق او گفته‌اند: الحمد لله الذی

قطع و تینه قبل ان یؤلف هذه الرساله، ر.ک: لاری، المعارف السلما نیه، ص ۵.

[۳۲] طبرسی، مجمع البی ان، ج ۴، ص ۸۲.

[۳۳] مانند رساله شیخ مفید که در ج ۱۷، ص ۱۲۲ بحار الانوار آمده است و نیز رساله التنبیه بالعلوم من البرهان علی تنزیه المعصوم

عن السهو و النسیان تألیف شیخ حرّ عاملی.

- [۳۴] چون محور روی سخن شیخ صدوق موضوع سهو و نسیان نبی آن هم به نحو "اسهاء" است نه نفی علم غیب یا بیان وسعت آن.
- [۳۵] حمود، تعلیقه علی المعارف السلمانیه، ص ۵۱، شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۹ ذیل ح ۱۰۳۱.
- [۳۶] شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰.
- [۳۷] لاری، المعارف السلمانیه، ص ۹۱. مشروح پاسخ در همین نوشتار گذشت. اعلم الناس، احکم الناس ویری خلفه کما یری من بین یدیه و تنام عینه و لاینام قلبه.....
- [۳۸] شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۴۲۸، م ۵۹۱۴.
- [۳۹] شیخ صدوق؛ علل الشرایع، ص ۲۰۸، ح ۸.
- [۴۰] شیخ صدوق، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۶، ح ۵۴.
- [۴۱] حمود، تعلیقه علی المعارف السلمانیه، ص ۵۲.
- [۴۲] مجلسی، بحار الانوار ص ۲۶۰، ح ۶.
- [۴۳] صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۶۱.
- [۴۴] شیخ صدوق، الخصال، ص ۶۱۴.
- [۴۵] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۶، باب ۴۶.
- [۴۶] صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۳۴ باب فی الامام بانه ان شاء انی علم العلم علم.
- [۴۷] کلینی، اصول کافی؛ ج ۱، ص ۳۱۶.
- [۴۸] لاری، المعارف السلمانیه، ص ۱۰۱.
- [۴۹] همان.
- [۵۰] همان، ۱۰۲.
- [۵۱] همان، ۱۰۲.
- [۵۲] مشروح اینگونه روایات و نیز دیگر پاسخها را ر.ک: لاری، المعارف السلمانیه، ص ۱۰۶-۱۱۶.
- [۵۳] مظفر، علم الامام، ص ۶۰.
- [۵۴] صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۲۹، باب فی الائمه (ع) انه صارالی هم جمیع العلوم التی...
- [۵۵] لقمان/ ۳۴.
- [۵۶] صفار، بصائر ص ۱۲۸، ح ۱.
- [۵۷] حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۱۲، ح ۱۶۰.
- [۵۸] نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.
- [۵۹] بقره ۳/.
- [۶۰] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷، سه حدیث، باب ما اعطی الائمه (ع) من اسم الله الاعظم.
- [۶۱] مظفر، علم الامام (ع)، ص ۳۶.
- [۶۲] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۸، پنج حدیث، باب ما عندهم من آیات الانبیاء (ع).
- [۶۳] همان، ص ۳۵۷، کتاب الحججه، باب ۶۵، ح ۹.
- [۶۴] همان، ص ۲۹۶، هشت حدیث باب ذکر فیہ الصحیفه و الجفر و الجامعه ر.ک: کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۶، هشت حدیث باب ذکر فیہ الصحیفه و الجفر و الجامعه.

[۶۵] قدر / ۴.

[۶۶] كهف / ۶۶.

[۶۷] كهف / ۶۵، پاسخ مشروح، ر.ك: لاری، المعارف السلماڤیه، ۹۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشرف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

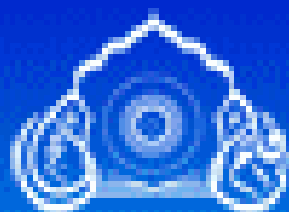
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

فانمیل

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

